

## روابط ایران و آلمان در قرن نوزدهم میلادی

نوشته: مریم میراحمدی

در آغاز قرن سیزدهم هجری قمری/نوزدهم میلادی، ایران به علت رویدادهای سیاسی بین‌المللی در مشرق زمین، دچار رقابتهای دولتهای بزرگ وقت شد. هندوستان از نقاط بسیار مهم تحت نفوذ بریتانیا بود که سعی در حفظ آن داشت. ناپلئون به فکر تسخیر هندوستان بود و هندوستان برای روسیه نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. برای تحقق دادن به چنین خواستهایی، ایران از لحاظ جغرافیایی، موقعیت ویژه‌ای داشت و طبیعی می‌نمود که اتباع قدرتهای بزرگ به اشکال و تعداد زیاد در منطقه و خصوصاً در خلیج فارس در رفت و آمد باشند. شناخت و آگاهی از ایران توسط اروپائیان از نقطه نظرهای مختلف، آنان را علاوه بر مقاصد سیاسی، متوجه امور اقتصادی کرد. در چهارچوب مسائل اقتصادی، حتی دانشمندان و محققان متعددی راهی منطقه شدند و به بررسی مناسبات مختلف و بویژه زمینه‌های اقتصادی ایران و تجارت با اروپائیان پرداختند.<sup>۱</sup>

در دوده‌ه اول قرن سیزدهم هجری قمری/نوزدهم میلادی، از لحاظ مسائل

اقتصادی بین ایران و دیگر دولتها رقابت می شد و روسیه به عنوان همسایه ایران، در مناسبات بازرگانی، مقام اول را داشت. انگلستان هم در این زمینه اغلب از طریق هندوستان ارتباط برقرار کرده بود و بدینسان وابستگی شدید اقتصادی و به طبع سیاسی به وجود آمد. گاه نیز مسائل سیاسی، مانند جنگهای ایران و روس در فاصله سالهای ۱۲۲۸ - ۱۲۱۹ ق/ ۱۸۱۳ - ۱۸۰۴ م و نیز ۴ - ۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۸ م که منجر به معاهدههای گلستان و ترکمانچای شد، مستقیماً نتایج سیاسی نیز به بار می آورد و در این وابستگی تأثیر عمیقتری می گذاشت.<sup>۲</sup> بتدریج در رابطه با رقابتهای مختلف بریتانیا با روسیه در منطقه ایران، اتباع و دولت انگلیس نیز سعی در به دست آوردن امتیازات مشابه کردند. حتی علاوه بر دیگر فعالیتهای سیاسی بریتانیا، قراردادی تجاری نیز بین ایران و انگلیس در سال ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱ م بسته شد که به موجب آن تجارتخانههای متعدد انگلیسی در تبریز، تهران (و نیز طرابوزان) تأسیس گردید. دولت فرانسه نیز در رابطه با انعقاد قراردادهای بازرگانی از خود علاقه نشان می داد، بویژه که سابقه نمایندگیها و دفاتر بازرگانی متعدد آن به قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری / هفدهم و هیجدهم میلادی می رسید. در سال ۷۵ - ۱۲۷۲ ق/ ۵۸ - ۱۸۵۶ م فرخ خان امین الملک به عنوان نماینده ویژه ناصرالدین شاه (حکومت ۱۳۱۴ - ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۹۶ - ۱۸۴۸ م) در پاریس، توجه دولت فرانسه را به ایران بیشتر جلب کرد، بخصوص که دولت فرانسه نیز قبلاً با ایران در شعبان ۱۲۶۴ ق/ ژانویه ۱۸۴۸ م قراردادی تجاری به امضا رسانده بود.<sup>۳</sup> ابتدا در سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م بود که دولت فرانسه در صدد اجرای مفاد قرارداد خود برآمد، و همین قرارداد بود که در همان ایام نمونه‌ای برای دیگر دولتها گردید، تا امتیازات و حقوق مشابهی مانند فرانسه از ایران درخواست کنند.<sup>۴</sup> دولت ایران در انعقاد این گونه قراردادهای بر این باور بود که این گونه تماسها، شاید بتواند از فشار رقابت روسیه و انگلیس در ایران بکاهد و سیاست مستقلی را برای ایران به ارمغان بیاورد.

سرزمین آلمان از دیر باز توسط مأموران سیاسی، سیاحان و دانشمندان علوم مختلف با ایران در تماس بود، و به همین جهت زمینه برای برقراری تماسهای بیشتر هم مساعد بود. در آغاز قرن نوزدهم میلادی، داد و ستد بین ایران و آلمان، بیشتر بر اساس نمایشگاههای مختلف در شهرهای هامبورگ، فرانکفورت و لایپزیک بود، بویژه که بازرگانان ایران از بازدیدکنندگان اصلی این نمایشگاهها به شمار می آمدند

و لوازم مورد نیاز خود را مستقیماً تهیه می کردند و ضمناً نیاز بازار آلمان به محصولات ایران را شخصاً می سنجیدند. البته این ارتباط از طریق نمایشگاهها، در دوران بعد نیز حفظ گردید. تقریباً در دهه چهارم قرن نوزدهم بود که آلمانیها بیشتر به مسائل تجاری بین خود و ایران پرداختند. در سال ۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م بنا برخواست ایران، در قسطنطنیه بین ایران و ادارات گمرک آلمان قرار داد مودت و تجاری منعقد گردید، اما اجرای آن به بعد موکول شد.

قبلاً در قسطنطنیه نیز قراردادی بین شرکت لئویداتریش (Lloyd) در رابطه با ایجاد خطوط کشتیرانی با کشتی بخار بین طرابوزان و قسطنطنیه بسته شده بود. البته از نظر داد و ستد در ایران، بندر طرابوزان در اواسط قرن نوزدهم بسیار اهمیت داشت. خطوط مختلف کشتیرانی و رفت و آمدهای هفتگی و مرتبی بین پایتخت عثمانی با شرکتهای لئویداتریش، ادارات حمل و نقل فرانسه و شرکت عثمانی قسطنطنیه وجود داشت. هر سه شرکت توافق کرده بودند که یک روز در میان، کشتی بخاری در بندر طرابوزان داشته باشند. شرکت لئویداتریش علاوه بر آن، خطوط کشتیرانی در دانوب را بر عهده داشت. این شرکتهای واسطه بسیار مهمی بین تجارت ایران و آلمان بودند.

قرارداد مودت و تجارت بین ایران و اتریش (در ۱۷ مه ۱۸۵۷ م) در سال ۱۸۴۹ م در وین کتابی از رودلف گودل منتشر شده که در آن مناسبات تجاری بین ایران و اروپا به طور مشروح بررسی شده و زمینه گسترش آن نیز پیش بینی شده بود. خیلی کوتاه پس آن دولت اتریش یکی از کارشناسان معروف امور صنعتی خود را به ایران گسیل داشت تا شخصاً موقعیت بازار صنعتی و کارخانههای اتریش در ایران را بررسی کند. کوششهای وی البته بی نتیجه نماند. در سال ۱۲۷۲ ق/ ۱۸۵۶ م اقتصاددان معروف اتریشی، اشتاین (L. Stein) در پاریس طی مذاکراتی، اهمیت سیاست اقتصادی تجارت مشرق زمین و بویژه خطوط تجاری ایران در دریای خزر را یادآور شد و آن موارد مهم از نقطه نظر اتریشیها را در یادداشتهای متعدد مشخص و منتشر کرد. در همین سال نیز هیأتی اتریشی تحت ریاست شیندلوک (Schindlöcker) به ایران آمد و نتیجه سفرش، قرارداد کشتیرانی، تجارت و مودت بین ایران و اتریش بود (مورخ ۱۷ مه ۱۸۵۷ م)، که می بایست

بیست و پنج سال ادامه یابد.<sup>۶</sup> از آنجایی که در قرارداد گمرکی بین آلمان و ایران کمتر پیش بینی موارد تجاری شده بود، در ماده ۶ این قرارداد، بر منافع بازرگانی آلمان تکیه شد و نیز به موارد باستان شناسی - مشروط بر اینکه خود دولت آلمان راساً تا سه سال آینده قرارداد جداگانه‌ای در این زمینه منعقد کند - اشاره گردید.

#### قرارداد مودت و تجارت بین ایران و پروس (در ۲۵ ژوئن ۱۸۵۷)

به استناد قرارداد ایران و اتریش، در پاریس بین ایران و ادارات تجارت و گمرک آلمان قرارداد مودت و تجارت منعقد گردید. از جانب دولت پروس آلمان، نماینده ویژه و شخصیت معروف هاتسفلد ویلدنبرگ<sup>۷</sup>، و از جانب دولت ایران فرخ‌خان امین‌الملک که از چند ماه پیش به عنوان فرستاده ناصرالدین شاه در پاریس بود، قرارداد مذکور را امضا کردند. چند ماه پس از این قرارداد موافقت نامه مشابهی بین ایران و استان مستقل آلمان به نام هانزا (Deutsche Hanse-Städte) منعقد شد. انعقاد این قراردادها طبیعتاً در مجلس آلمان انعکاس خوبی داشت و حتی نطقی در جهت تأیید آن در مجلس از جانب دیرگارد (Diergardt) در تاریخ ۱۴ فوریه ۱۸۵۸ م ایراد گردید. این استقبال بدان علت بود که اکنون برای تجارت آلمان، منبع جدیدی به وجود آمده بود.

به استناد این قرارداد، نیاز به تأسیس سرکنسولگری و یا کنسولگریهای علیحده‌ای احساس می‌شد، بویژه زمانی که مفاد این قرارداد صورت اجرایی به خود گرفت. در سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م دکتر اتو بلو (Ernst Otto Blau) به عنوان کنسول دولت پروس به ایران آمد. مأموریت وی یافتن محل و امکانات اجرای مفاد قرارداد بود. نتیجه سفر وی در سال بعد، انتشار کتابی درباره ایران بود.<sup>۸</sup> این کتاب تا پایان قرن نوزدهم، به عنوان مرجع و راهنمایی برای تجارت آلمان در ایران محسوب می‌شد. سفر بلو از جانب وزارت امور خارجه آلمان بویژه فرصت خوبی بود که وی تجربیات اقامت پنج ساله خود در قسطنطنیه را در این ناحیه نیز تکمیل کند و برای مناطق تجاری آلمان بخصوص ناحیه صنعتی شمال و شرق آلمان، اطلاعات ذیقیمتی کسب نماید. همچنین دکتر بلو بر روی دو مسأله که همواره تجارت ایران را تحت الشعاع خود قرار می‌داد، به پژوهش و بررسی پرداخت. این موارد عبارت بودند از:

۱. تهیه آرشیمی در وزارت امور خارجه دولت پروس آلمان در برلین، و نیز حفظ و توجه به گزارشهای مربوط به تجارت در مشرق زمین، مانند یادداشتهای سرکنسول آلمان در طرابوزان، که طی اقامتش تا سال ۱۸۴۷ م در زمینه موقعیت داد و ستد و تجارت ایران با غرب اروپا جمع‌آوری کرده بود.

۲. توجه به یادداشتهای خطی و چاپ شده سرکنسول اتریش در طرابوزان، رودلف گودل، که مجموعه‌ای از اخبار تجاری ایران با اروپای غربی را گردآوری کرده بود.

دکتر بلو در داخل ایران اطلاعات کمتری به دست آورد، اما در طرابوزان، ارزروم و تبریز از تجربیات مأموران کنسولی اروپا در جمع‌آوری اطلاعات بسیار استفاده کرد و توانست اطلاعات ذیقیمتی به دست آورد.

#### برقراری روابط بازرگانی ایران و آلمان

تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، آلمان سهم کوچکی در واردات به ایران داشت. مقدار زیادی از کالاهای وارداتی به ایران را اجناسی مانند پارچه و اشیاء بلورین و شیشه‌ای تشکیل می‌داد. بویژه پارچه‌های ظریف که توسط کارخانه‌های تجارت خانه معروف گورز اشمید (Firma Gevers & Schmidt) تهیه می‌شد، محبوبیت بیشتری داشت. وسعت عملیات تجاری کارخانه‌های آلمان معمولاً تا شهر قسطنطنیه در منطقه مشرق زمین بود که توسط تعداد زیاد دفاتر و نمایندگیهای آلمانی در منطقه تقویت می‌شد. بدینسان اجناس آلمانی بتدریج کانون اصلی تجارت و دادوستد شد. در قسطنطنیه تاجران مسلمان ایرانی و ارمنی ایران، اجناس را برای صدور به کشور خود می‌خریدند و به ایران می‌فرستادند. به همین علت اجناس آلمانی که به ایران وارد می‌گردید دارای مَه‌ری به نام "اموال استانبول" بود و بندرت کسی از منبع اصلی اجناس اروپایی آگاهی می‌یافت. در طرابوزان و همچنین بیشتر در ایران، مَه‌ری "اموال نمسه" بر روی کالاها زده می‌شد که شامل کلیه اجناس وارده از اتریش، پروس آلمان و نیز هلند بود. این اشیاء معمولاً از بندر تریست (Triest) اتریش توسط کشتی بارگیری، و به ایران فرستاده می‌شد. صنایع و کارخانه‌های ایران در آن زمان - صرف نظر از تعداد کمی - فقط در سطح محصولات دستی بود، و به همین علت موارد نفوذ اقتصادی اروپا و اشیاء وارداتی، در رابطه با



نیاز مردم ایران صورت می گرفت.

علاوه بر مسیر اصلی تجاری از طریق اتریش و قسطنطنیه - که بخصوص اجناس آلمانی منطقه اشلین (Schlesien) و لایپزیک را در بر می گرفت - به طور کلی محصولات غرب آلمان از طریق ماریسی، آنتورپ (Antwerpen) (امروزه واقع در بلژیک) و حتی انگلستان حمل می گردید. تقریباً از همین مسیر نیز در مورد حمل و نقل کالا از ایران به آلمان استفاده می شد. ابریشم ایران که در کارگاههای برلین و منطقه راین آماده می گردید، از طریق انگلستان وارد می شد، و همچنین شال و فرش ایران صمغ و موم، مواد رنگی و ادویه مخصوص ایران از طریق تریست و وین به آلمان می رسید. در تبریز مانند دیگر بازارهای آذربایجان، تعداد زیادی از اجناس و کالا به چشم می خورد که از پروس و دیگر متحدان آن مانند قسطنطنیه وارد شده بود. کلیه اجناس خارجی را به طور کلی با اسم "اجناس فرنگی" نامگذاری می کردند، اما دیگر کالا شامل اجناس مختلف پنبه ای و محصولات گرگی و پشمی را با علامت "اموال نمسه" مشخص می ساختند. این گونه کالا معمولاً از نواحی ساکسن و سوئیس بود.

به علت کمبود آمار دقیق واردات و صادرات، نمی توان به طور دقیق مقدار هر یک از آنها را مشخص کرد، و به همین سبب باید به آمار تقریبی که کنسول آلمان بلو در اختیار می گذارد، اکتفا کنیم. دولت پروس و متحدانشان موفق گردیدند که هر سال معادل ۳۵۰۰۰۰۰ عدل کالا جابجا کنند، در حالی که فقط ۱۰۰۰۰۰۰ آن را اجناس صادره به آلمان در بر می گرفت، واردات به ایران که بالغ بر ۱۲ میلیون راین تالر (واحد پول پروس) می شد،<sup>۹</sup> دولت پروس و سرزمینهای متحده گمرکی و به عبارتی بریتانیای کبیر (۷/۹ میلیون راین تالر)، سوئیس (۲/۸ میلیون راین تالر) را در مقام بالاتری جای می داد و در واقع پروس، حتی با توجه به صادرات ترکیه عثمانی، فرانسه و بلژیک مقام اول را داشت.

تا سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م تجارتخانه های آلمانی در ایران دفاتر نمایندگی نداشتند، البته کارگاههای دستی آلمانی چندی در ایران وجود داشت که از جانب مردم بسیار مورد توجه بود. از دهه شصت به بعد تجارتخانه های سوئیس به نام زیگلر (Ziegler & Co.) کار خود را با ایجاد دفتری در تبریز شروع کردند. ابتدا به علت کمبود نمایندگیهای آلمان، معمولاً تجارتخانه ها خود را تحت حمایت انگلیس

قرار می دادند، که دفتر مرکزی آن در منچستر بود. شرکت زیگلر در سراسر غرب ایران فعال بود و بدان نیز توجه زیادی مبذول می شد. از سال ۱۲۹۵ ق/ ۱۸۷۸ م این شرکت فقط سوئیس ها و آلمانیها را به کار گماشت.

اعزام هیأت دولت پادشاهی پروس به ایران (۱۸۶۰ - ۱۸۶۹)

پس از انعقاد قرارداد سال ۱۸۵۷ م بین ایران و پروس، هیأتی به سرپرستی مینوتولی (Julius Freiberr von Minutoli) عازم ایران شد تا بازار تجاری ایران را بررسی کند. مناسبات دیپلماسی ایران و پروس در آن ایام بیشتر بر زمینه سیاست تجاری و اقتصادی بنا شده بود. این هیأت در اواخر سال ۱۸۵۹ م برلین را به قصد ایران از طریق تریست، قسطنطنیه، طرابوزان، تفلیس، جلفا، تبریز و سرانجام تهران ترک گفت، در سال ۱۲۷۴ ق/ ۷ مه ۱۸۶۰ م سفیر ایران در پروس که اخیراً از جانب ناصرالدین شاه منصوب شده بود، از این دو هیأت استقبال کرد و حتی سفری اطلاعاتی در ایران برای آنان ترتیب داد. این سفر از همدان شروع شد و از طریق اصفهان، پاسارگاد، تخت جمشید به شیراز رسید. همچنین شهرهایی مانند بوشهر مورد بازدید قرار گرفت. در سر راه بازگشت، مینوتولی به علت تب شدید و بیماری در سال ۱۲۷۴ ق/ ۵ نوامبر ۱۸۶۰ م در کاروانسرای در قریه خانه زنجان در نزدیکی شیراز درگذشت و در گورستان آرامنه به خاک سپرده شد. شرق شناس معروف هاینریش بروگش (Dr. Heinrich Brugsch) بلافاصله ریاست هیأت را بر عهده گرفت، و توانست چندین بار از شاه اجازه حضور بیابد. هیأت در سال ۱۸۶۱ م به سفر خود پایان داد. نتایج این بررسی را بروگش در کتابی دو جلدی منتشر کرد که در آن حتی یادداشتهای مختلف مینوتولی درباره سرزمین و مردم ایران نیز درج شده بود.<sup>۱۰</sup> بروگش تحقیقات مفصلی در زمینه های مختلف امکانات اقتصادی ایران به عمل آورد. چند سال بعد نیز وی در برلین کتاب دیگری به نام در سرزمین خورشید منتشر کرد که در واقع مکمل نوشته های قبلی وی بود.<sup>۱۱</sup> بروگش معتقد بود که زمینه فعالیت تجاری آلمانیها در ایران بسیار زیاد است و آنان به سرعت می توانند دفاتر بازرگانی خود را در ایران گسترش دهند و بازار اقتصاد ایران را حتی بدون رقابت شدید به طرف خود معطوف دارند. از آن گذشته، این قرارداد جدید بر اساس قرارداد سال ۱۸۵۷ م بسته شد. امضا کنندگان قرارداد جدید، سفیر آلمان پرنس

مسائل تجاری، حقوق مال التجاره طرفین، حقوق کشتیها، کنترات و تعهدات اتباع دولتین، محاکمات، افلاس، میراث و سرانجام تابعیت مردمان هر دو دولت مطرح می شد. فصل هیجدهم قرارداد پیش بینی وقوع جنگ بین دولتین و یا دولت ثالث را کرده بود و مفاد بقیه ماده های قرارداد مربوط به مدت و شروط عهدنامه و اجرای آن بود.<sup>۱۴</sup>

دانشمندان آلمانی و اتریشی در ایران (در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) در نیمه دوم قرن نوزدهم و در دوران حکومت ناصرالدین شاه، فعالیت محققان، دانشمندان و تاجران آلمانی و اتریشی در ایران روبه فزونی گذارد. البته این گونه فعالیتها طبعاً به شهرت آلمانیها و تأثیرات بعدی آنان در زمینه های اقتصادی و تجاری کمک می کرد. در سال ۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م نیز افسران اتریشی در مدارس نظامی در تهران خدمت می کردند. در میان آنان دکتر ادوارد پولاک از چهره های مشهور بود. وی ابتدا به عنوان استاد "مدرسه پزشکی" در تهران بود، ولی بعدها نیز پزشک مخصوص ناصرالدین شاه شد. پولاک در دوران اقامتش در ایران، کتابی پزشکی به نام تشریح و نیز جراحی را به ترتیب در سالهای ۱۸۵۴ و ۱۸۵۷ منتشر کرد، علاوه بر آن وی ریاست بیمارستانی را بر عهده داشت که برای نظامیان و به همت خود وی ساخته شده بود. پولاک پس از اقامتی هشت ساله در ایران، در آوریل ۱۸۶۰ تهران را ترک گفت و در اتریش سرپرست بیمارستان عمومی وین شد. وی در سال ۱۸۶۵ م خاطرات و تجربیات سفر خود در ایران را به صورت کتابی بسیار جالب منتشر کرد.<sup>۱۵</sup> این اثر یکی از بهترین کتابهایی است که راجع به ایران، زمینه زندگانی روزمره مردم، آداب و رسوم، گیاهان و بیماریهای بومی منطقه بحث و تحقیق کرده است و اطلاعات ذیقیمتی را در اختیار علاقه مندان می گذارد. از یادداشتهای دکتر پولاک گزارش می شود که توسط یکی از افسران این هیأت به نام کرزیز (A. Krziz) نقشه جدید و دقیقی از تهران تهیه شد که ارتفاعات شهر نیز در آن قید شده بود. کرزیز همچنین خط تلگرافی بین قصر شاه تا باغ محل سکونت وی در حاشیه شهر را کشیده بود.

همچنین در سال ۷۱- ۱۲۷۰ ق/ ۵۵- ۱۸۵۴ م محقق دیگر آلمانی به نام دکتر یولیوس هنجه (J.C. Hantzsche) در سواحل دریای مازنداران و سواحل شمالی

رویس، (Reuss) و وزیر ایران عبدالرحیم بود. در ماده ۱ و ۲ قرارداد بر اساس حقوق متقابل و "دول کامله الوداد" تکیه شده بود. طبق ماده ۳ (تبصره ۲ و ۳) نیز می بایستی دولت ایران و دولت آلمان سه کنسولگری متقابلاً دایر کنند. کنسولگری آلمانیها در تهران، تبریز و بوشهر برقرار می شد، و دولت ایران مختار بود که در کلیه نقاطی که دیگر کشورها در آلمان کنسولگری داشتند، دفاتر خود را دایر نماید. شبیه چنین ماده ای نیز در قراردادهای انگلستان، فرانسه و روسیه با ایران منعقد شده بود. در ماده ۴ و نیز ۱۳ تا ۱۶ این قرارداد سعی شده بود که حقوق مشابه مانند دیگر کشورها تحت عنوان "دول کامله الوداد" در رابطه با مسائل تجاری، دایر کردن دفاتر بازرگانی، کشتیرانی، حقوقی، جزایی و گمرکی تأکید شده باشد. در این قرارداد حتی تکلیف ما ترک افراد آلمانی که در ایران فوت شوند نیز مشخص شده بود (ماده ۱۵).

ایران، به علت موقعیت خاص جغرافیایی خود می توانست مرکز ارتباطی بین آلمان و منطقه آسیای میانه شود. اما همه این موارد می بایست با حمایت بیشتر دولت پروس همراه باشد و نمی توانست فقط به حمایت روسها و انگلیسیها اکتفا کند.<sup>۱۲</sup> البته از جمله مشکلات این ارتباط، مسافت طولانی بین ایران و آلمان بود، که حمل و نقل را تا حدی مشکل می کرد. اما محافل اقتصادی آلمان به طور کلی به مناسبات بازرگانی بین دو کشور خوش بین نبودند و فعالیت خود را تا اواخر قرن نوزدهم میلادی به آهستگی در این منطقه شروع کردند.

بروگش همچنین اشاره به مرکز کوچکی می کند که در پایان سال ۱۸۶۰ م در تهران کار خود را آغاز کرد. این مرکز مرکب از هفت نفر آلمانی و اتریشی بود که در میان آنها یک پزشک، یک علاقبند و نیز یک نفر دباغ دیده می شد.<sup>۱۳</sup>

قرارداد مودت، تجارت و کشتیرانی ایران و آلمان (۱۱ ژوئن ۱۸۷۳) پس از تأسیس امپراتوری آلمان در سال ۱۸۷۱ میلادی، در ژوئن ۱۸۷۳ در سن پترزبورگ قرارداد مودت، تجارت و کشتیرانی بین ایران و آلمان به امضاء رسید. مفاد مهم قرارداد ۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ که در چهار نسخه و به فارسی و فرانسه و در ۲۱ ماده و یک ضمیمه تهیه شده، به شرح ذیل است: فصول اول تا چهارم مربوط به تفاهم و دوستی، مأموران کنسولی و امتیازات آنان بود. از فصل چهارم تا هیجدهم

ایران به بررسی هواشناسی پرداخت. وی همچنین به تحقیقاتی درباره گسترش بیماریهای مختلف در آن منطقه پرداخت، و بعدها نیز به تحقیقات هواشناسی خود در لایپزیک ادامه داد. تحقیقات مشابهی نیز در سال ۶۱ - ۱۸۶۰ م دکتر بیمسن اشتاین (Bimsen Stein) در تهران انجام داد، که به عنوان کارمند دولت عثمانی در ایران مأموریت داشت.<sup>۱۶</sup>

جغرافیدان معروف آلمانی، کیپرت (J.S.H.Kiepert) نقشه‌های بسیار دقیقی از ایران تهیه کرد که در نزد کارشناسان از اهمیت زیادی برخوردار شد، به طوری که محافل تجاری اروپا نیز توانستند بر اساس آن، راهها و جاده‌های بازرگانی دایر کنند. کیپرت که در سال ۱۸۱۸ م در برلین متولد شده بود، در سال ۴۲ - ۱۸۴۱ م سفر خود به منطقه آسیای صغیر و یونان را آغاز کرد و تحقیقات متعددی در منطقه به اتمام رساند. دامنه این تحقیقات به دیگر نواحی مانند عربستان، ایران و ارمنستان نیز گشوده شد.<sup>۱۷</sup> کیپرت موفق شد که در سال ۱۸۴۶ م پژوهش خود را به اتمام برساند، اما اثر وی بلافاصله منتشر نشد. در اواخر سال ۱۸۵۲ میلادی کیپرت برخی تحقیقات خود را در برلین در چند جلد انتشار داد که ممالکی مانند عربستان (جلد ۲) و ایران و توران (جلد ۲) را در برمی گرفت. در سال بعد کیپرت به عضویت آکادمی سلطنتی علوم پروس برگزیده شد و براساس آن در دانشگاه برلین به تدریس علوم جغرافیا و قوم‌شناسی پرداخت. در همان سال کیپرت موفق شد که نقشه‌های دقیق و جداگانه‌ای درباره گرجستان، ارمنستان و کردستان به چاپ برساند. سه سال پس از آن (۱۸۵۶ م) کیپرت دو بخش از فرگرد اول و نبدیداد (ویدودات) را منتشر کرد. همچنین وی در سال ۱۸۶۶ م نقشه‌ای از نقاط مرزی ایران در آذربایجان منتشر کرد. نقشه وی از جاده‌های خوب غربی ایران نیز از اعتبار خاصی برخوردار است.

کیپرت در سال ۱۸۶۴ م به سرپرستی بخش جغرافیایی دفتر سلطنتی ثبت آمار برگزیده شد. در طول سالهای ۱۸۷۰ الی ۱۸۸۶ م کیپرت سفرهای متعدد دیگری به منطقه آسیای صغیر و مشرق زمین کرد، و نقشه‌هایی از ترکستان، ایران و سرزمینهای بین کابل و سند تهیه کرد، با وجودی که سرزمین ایران در مباحث جغرافیایی، نقطه اصلی تحقیقات وی را تشکیل می‌داد. کیپرت در ۲۱ آوریل ۱۸۹۹ در برلین درگذشت.

محققان دیگر نیز در مشرق زمین به بررسیهای متعددی پرداختند، از جمله

آییش زمین‌شناس، تحقیقاتی در ارمنستان به عمل آورد، که منتشر گردید.<sup>۱۸</sup> از میان اتریشیان گوستاو داخزبرگ (G.R.Dachsberg) مشاور پست، موفق شد که تشکیلات پست ایران را بر مبنای پست اروپا دایر کند. در سال ۱۸۸۰ م نیز تاوفن اشتاین (C.Taufen Stein) به ایران فرا خوانده شد تا ریاست مأموران نظامی مستقر در ساوه را که برخی تشکیلات کشوری و مالی در آن دایر بود، بر عهده گیرد. هر دو نفر موفق شدند که گزارشهای متعددی درباره مناسبات سیاسی - اقتصادی ایران گردآوری کنند.<sup>۱۹</sup> همچنین ژنرال ولتراشتد (W. Welterstaedt) از سال ۱۸۷۸ م در تهران و تبریز به عنوان کارگزار نظامی اقامت داشت، و سپس تقاضای تمدید اقامت در ارتش ایران را کرد.

بهر حال در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی به اسامی افراد آلمانی، اتریشی و سوئیسی آلمانی زبان زیادی برمی‌خوریم که به نحوی به عنوان مشاور، محقق و یا افراد نظامی مدتهای مدیدی را در ایران سپری کردند و خاطرات خوبی از ایران با خود به اروپا بردند و اغلب نیز این خاطرات و تجربیات را منتشر کردند.<sup>۲۰</sup> توجه آلمانیها به ایران از تعداد زیاد سفرنامه‌هایی که راجع به ایران نوشته‌اند، مشخص است.<sup>۲۱</sup>

ناصرالدین شاه نیز در اولین سفر خود به اروپا در مدت اقامت نه روزه خود در برلین (از ۳۱ مه تا ۸ ژوئن ۱۸۷۲ م) با امپراتور ویلهلم اول (گیوم) ملاقات داشت که بسیار مورد استقبال محافل قرار گرفت.<sup>۲۲</sup> دولت ایران در آن ایام سعی داشت که به علت نفوذ بسیار روسیه و انگلستان، از حمایت دولت دیگری نیز برخوردار باشد. قبل از رسیدن به آلمان نیز به همین جهت ناصرالدین شاه در سنت پترزبورگ، قراردادی را که بین نماینده ایران و آلمان به امضا رسیده بود، تأیید کرد (قرارداد ۱۱ ژوئن ۱۸۷۳). در ماده ۱۸ این قرارداد به این خواست ایران، مبنی بر کمک آلمان به ایران در هنگامی که کشور ایران مورد تجاوز قدرتهای بیگانه قرار گرفته است، تأکید شده بود.

در سال ۱۳۰۰ ق/ ۱۸۸۳ م ناصرالدین شاه سفیر ویژه‌ای به نزد بیسمارک صدراعظم آلمان فرستاد و از وی خواست تا شرایط حمایت آلمان از ایران در مقابل روسیه را اعلام کند، همچنین می‌بایستی هیأتی نظامی برای بازسازی ارتش ایران اعزام شود. البته بیسمارک به علت مناسبات خوب بین آلمان و روسیه تمایل چندانی





سوئسی بنام آقای زالزمن (Salzmann) فروخت.

داروخانه دیگر آلمانی در تبریز، به نام "داروخانه ایالتی آذربایجان" بود که به شرکت سی. آ. رایت با مسئولیت محدود (C.A. Reith G.m.b.H.) تعلق داشت و مقرآن در برلین بود و سرمایه‌ای در حدود بیش از ۴۰۰۰۰ مارک در اختیار داشت که توسط آقای زلمان اگبرت (Seelmann-Eggebert) اداره می‌شد. در سال ۱۹۱۳ م پس از ورشکستگی شرکت فوق، زلمان اگبرت شخصاً داروخانه‌ای در تبریز تأسیس کرد. نوع دیگر تجارخانه‌ها در ایران، شرکت‌های صادراتی بود. مشخص است که هر شرکت کوشش می‌کرد، که به دلیل حذف ارزش معادل قیمت، حتی الامکان به صدور فرآورده‌های ایرانی مبادرت ورزد. روسها دارای تعداد زیادی تجارخانه بودند، که فقط با صادرات فرآورده‌های ایرانی مانند پشم، پنبه، خشکبار و تریاک سر و کار داشتند. در این ارتباط نام دو شرکت آلمانی ذکر می‌شود:

شرکت ویلهلم روور (Wilhelm Roewer) در شیراز، که صادرات اصلی آن کتیرا بود و در سال ۱۹۱۰ م با سرمایه ۵۰۰۰۰ مارک تأسیس شد. روبرت ونک هاوز & هامبورگ (Robert Woenkhaus & Hamburg) هم با شعباتی در بوشهر، بحرین، بغداد، موصل، بصره، محمره (خرمشهر)، اهواز و بندر عباس در سال ۱۸۹۸ م تأسیس شد. صادرات آن عبارت از مروارید، غلات و پومسته‌های صدف بود. سرمایه چنین تجارخانه‌های صادراتی نیز در ایران به همان نسبت سرمایه تجارخانه‌های وارداتی - به علت پیش پرداختهایی که به شعبات فروش می‌بایستی پردازند - زیاد بود. از طرف دیگر، شرکت‌های فوق این مزایا را داشتند که دریافت کنندگان منابع درآمدی آنان در اروپا بودند و در ارتباط با درآمدشان نیز از دادگستری ناقص ایران هم مستقل بود.

ارتباط دیگر، شرکت‌های آلمانی بودند که فرآورده‌های اروپایی را به ایران وارد می‌کردند. لزومی نداشت که این شرکتها در ایران مبالغ زیادی سرمایه‌گذاری کنند، "زیرا يك دفتر كوچك و يا يك مغازه در بازار برای داد و ستد آنان کافی بود. ایرانیان در تجارت، نه به تبلیغات و نه به تجملات علاقه دارند، بلکه بیشتر به افراد وابسته‌اند و محافظه کارند. در عوض این تجارخانه‌ها دو عیب بزرگ در مقایسه با تجارخانه‌های صادراتی دارند اگر از قانون آلمان پیروی می‌کردند، به طور منظم می‌بایستی به

فروشنندگان اروپایی پول پرداخت کنند، در حالی که ضعف دادگستری ایران برای آنان ممکن نمی‌ساخت که تأسیسات وسیع خارجی خود را در ایران دایر کنند.<sup>۴۴</sup>

آنها اغلب مجبور بودند که بی‌دری اعتبار پولی جدید به دست آورند تا اعتبار قدیمی را نجات دهند. بعضی از واردکنندگان اروپایی در ایران مایل بودند که دست از کسب و کار بردارند، اما به منظور نجات سرمایه خود مجبور بودند آن را ادامه دهند. شرکت بزرگ وارداتی آلمانی به نام شرکت اف. اون دوچ برمن (F. Undutsch & Co. Bremen) که در ژوئیه ۱۹۱۳ م مقری در تهران داشت، توسط سهام دارآن، آقای ادوارد شلوتر (Edward Schlüter) اداره می‌شد و با سرمایه‌ای در حدود ۳۱۵۰۰ مارک مشغول به کار بود.

"مغازه انیورسال" (K. Hoffmann) در عشق آباد با واردات کالاهای اروپایی سر و کار داشت و دارای شعباتی در مرو، چارجوی، مشهد و قوچان (خبوشان) بود. در تبریز آقای اتو اولمن آلمانی (Otto Oehlmann)، مدیر تجارخانه روسی لدویک رابنک (Ludwig Rabeneck) و نیز نماینده شرکت‌های مختلف آلمانی بود. بخش عظیمی از کالاهای آلمانی به دست عوامل انگلیسی و روسی به ایران آورده می‌شد.

از سال ۱۹۰۴ بخش عظیمی از کالاهای آلمانی به صورت بسته‌های پستی مستقیماً برای گیرندگان ایرانی ارسال می‌شد. تعداد این بسته‌های پستی سال به سال رو به ازدیاد بود و آلمان در مقام اول قرار داشت و اغلب این بسته‌های پستی که به ایران می‌رسید، از خود آلمان بود.

فعالیت آلمانیها در خلیج فارس (در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی) در سال ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۴ م در جهت رقابت با اقتصاد فرانسه در خلیج فارس، آلمانیها توسط کشتیهای تجاری خویش، مقادیر زیادی قند وارد کردند. این قندها که در کارخانه‌های هولشتاین (Holstein) تصفیه شده بود، به منظور ضربه زدن به بازار

<sup>۴۴</sup> در مورد سرمایه‌گذاری آلمانیها در ایران و ارتباط آنان با دادگستری ایران، عیناً از نظریه کنسول آلمان ویلهلم لیتن که خود در ایران حضور داشت، استفاده شده است. لیتن: ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی، فصل ۴۷ و بعد.



قند فرانسه در ایران، به قیمت نازلتری به فروش رفت، اما موفقیت آلمانیها به علت بد طعم بودن این نوع قند به مذاق ایرانیان، چشمگیر نبود و از قند آلمان در بازار ایران استقبال نشد. اما این مسأله نتوانست از برنامه اقتصادی آلمان در سواحل ایران و خلیج فارس بکاهد. در سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م، یکی از کشتیهای بخار آلمان، اجناس دیگری مانند پارچه، لباس زنانه و زغال سنگ به همراه خود آورد. در سال بعد تجارتخانه ورت (Johann Werth & Co.) موفق شد که دفتری در بوشهر دایر کند و به ورود اجناس مختلف مانند پوست خز، اسلحه، سیمان، قند، چوب، صابون، ماشین آلات کشاورزی و سیمان و غیره پردازد و در قبال آن کالاهایی مانند پشم، پوست و اکسید دوفررا از ایران صادر کند. اگر چه این تجارتخانه بزودی ورشکست شد و نتوانست به کار خود ادامه دهد، اما مؤسسات دیگر آلمانی مانند شرکت هامبورگ و خلیج فارس (Hamburg & Persian Gulf Co.) و شرکت بازرگانی آلمان و ایران (Deutsch-Persische Handels-Gesellschaft) جای آن را گرفت و به فعالیت مشغول شد. علاوه بر آن، در همان سال ۱۸۹۶ م، شرکت روبرت و نکهاوس (Robert Wonckhaus) به سرپرستی خود وی، با مقر مرکزی در هامبورگ توانسته بود در حوالی بندر لنگه و دیگر سواحل، صید تجارت مروارید را رونق بخشد. فعالیت او باعث شد که دفاتر متعدد نمایندگی تجار آلمانی در بنادر عباس، بوشهر، خرمشهر و بصره فعال شود و اعتباری برای دولت آلمان کسب گردد.

در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۷ م دولت آلمان، ابتدا یک نمایندگی کنسولی و سپس کنسولگری در بوشهر دایر کرد، که نام برخی از آنان در تاریخ معاصر ایران جای خاصی دارد. از کنسولان فعال این نمایندگی می توان هنک (Heneck)، راین هارت (Reinhardt)، روسلر (Rossler)، واسموس (Wassmuss)، و بالاخره لیستمان (Listemann) را نام برد که بویژه فعالیت واسموس در رابطه با جلوگیری از نفوذ انگلیسیها در منطقه و رویدادهای نواحی تنگستان و دشتستان معروف است. همچنین در این ایام خط کشتیرانی هامبورگ - آمریکا (Hamburg-Amerika-Line) به وجود آمد، اما مسیر دریایی آن، سواحل بین دریای سرخ و خلیج فارس بود. اولین کشتی بخار این شرکت، کشتی موسوم به کانادیا (Canadia) در تابستان ۱۹۰۶ به بوشهر وارد شد.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی آلمانیها در رابطه با فعالیت خود در کشور عثمانی

و سواحل مدیترانه، به فکر تأسیس راه آهنی افتادند که این منطقه را با بغداد و بعدها نیز به دیگر مناطق متصل کند. توجه آلمان به عثمانی بویژه در دوران حکومت ویلهلم دوم امپراتور آلمان به اوج خود رسید. ویلهلم خود شخصاً در سال ۱۸۹۸ م از کشور عثمانی دیدن کرد و به این روابط دوستانه تحکم بخشید. در سال بعد از دیدار ویلهلم یعنی ۱۸۹۹ م به منظور احداث خط آهنی بین قونیه - بغداد و سپس خلیج فارس بین آلمان و عثمانی پیمانی به امضا رسید و شرکت راه آهن آناتولی (Anatolian Railway Co.) تأسیس گردید.<sup>۲۸</sup> در سال ۱۹۰۰ م هیأتی آلمانی که مسائل فنی این قرارداد را بر عهده داشت، با همکاری کنسولگری آلمان در قسطنطنیه مسیر این خط آهن را تعیین کرد. تنها نقطه پایانی این خط آهن که می بایست در سواحل خلیج فارس و نزدیک به سواحل کویت باشد، مشخص نشد، بویژه که دولت انگلیس در سواحل کویت برای خود، حقوقی قائل بود و این امر می بایست که منافع آنان را تأمین کند. به دنبال مذاکراتی چند، طرف شرکت راه آهن بغداد (Baghdad Railway Co) که بخشی از شرکت راه آهن آناتولی بود، موفق گردید که در سال ۱۹۰۳ م آخرین مراحل قرارداد را نیز به امضا برساند. اما هر دو شرکت راه آهن، سرانجام موفق به انجام طرحهای خود به علت مشکلات متعدد نشدند، ولی نیروی دریایی آلمانیها در خلیج فارس، کم و بیش به رفت و آمد خود ادامه می داد.<sup>۲۹</sup>

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اتباع آلمانی چندی در این منطقه به فعالیتهای بازرگانی و نیز سیاسی پرداخته بودند. از آن جمله باید توپن (Toppen) را نام برد که از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۴ میلادی به امور بازرگانی مشغول بود. همچنین شرکت تجاری هامبورگ نیز از سال ۱۹۰۱ م صید مروارید در سواحل بندر لنگه را بر عهده داشت و در همین ارتباط بخوبی توانسته بود که با سواحل عرب نشین خلیج فارس نیز ارتباط برقرار کند.

اما به مرور ایام کلیه تلاش آلمانیها سرانجام در اثر نفوذ انگلیسیها در بین النهرین در قرن بیستم بکلی از بین رفت.

در دهه اول قرن بیستم، کنسولگری آلمان در استانبول، بسیار فعال بود. این فعالیتهای نه فقط در زمینه بازرگانی، بلکه سیاسی و نظامی نیز بود. سرکنسول آلمان در این ایام اشتم ریش (Stemrich) بود. با وجود همه فعالیتهای، اما آلمانیها موفق به

خرید زمینهای مسیرانتهایی راه آهن از شیخ مبارک نشدند. البته در همین ناحیه فعالیت آنها علیه شیخ کویت که خود را از سال ۱۸۹۹ م تحت الحمایه انگلیس قرارداد بود، به نتیجه رسید. آلمانیها، ترکان را علیه شیخ کویت شوراندند و موفق به تسخیر جزیره بوبیان شدند و بدین ترتیب بخشهای جنوبی تری از این منطقه عملاً در اختیار آلمانیها قرار گرفت و شرکتهای بازرگانی آلمان مانند ونگهاوس و غیره، دامنه فعالیت خود را در این ناحیه گسترش داد. همچنین دو تن از مأموران این شرکت موفق شدند که استخراج معادن اکسید دوفر موجود در جزیره ابوموسی را - که در اختیار شیخ شارجه بود - به دست آورند، که البته همین امر مدتها جنجالی بین انگلیس و آلمان را به وجود آورد و منجر به خروج آلمانیها از جزیره شد. مدتی نیز فان روگن (Van Roggen) درصدد بود که امتیاز آبیاری دشت کارون را به دست آورد، اما چون این منطقه در اختیار و کنترل شیخ خزعل بود، به سرعت انگلیسیها توانستند، فعالیت وی را در آن ناحیه خنثی کنند. با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م، آخرین کشتی شرکت کشتیرانی هامبورگ - خلیج به نام "اکیاتانا" نتوانست کالای زیادی با خود به آلمان ببرد. اتباع و بازرگانان آلمانی در بحرین و دیگر سواحل توسط انگلیسیها بازداشت شدند و بقیه نیز مانند واسموس مأموریت خود را در فرار و به صورت پنهانی دنبال کردند.

زمینه های فرهنگی و اقتصادی روابط ایران و آلمان (در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی)

در اوایل دهه های قرن نوزدهم و دهه های آغازین قرن بیستم میلادی، ایران در حکومت قاجار دستخوش بسیاری از نوسانات و نا آرامیهای درون مرزی و کشمکشهای داخلی بود. از نقطه نظر مناسبات خارجی نیز ایران، در واقع عملاً صحنه رقابتهای مختلف انگلیس و روسیه شده بود که به قیمت استقلال ایران، در سال ۱۹۰۷ م، قرارداد انگلیس و روسیه بر سر مناطق نفوذی هر دو قدرت در ایران منعقد گردید. ۳۰ شمال ایران منطقه نفوذی روسیه، و جنوب منطقه نفوذی بریتانیا شد و عملاً سیاست ایران در دست هر دو قدرت بزرگ قرار گرفت. تشکیلات اداری و سازمانی ایران نیز از استقلال چندانی برخوردار نبود. ادارات گمرک در دست مأموران بلژیکی بود، و مسائل حقوقی و قضایی ایران را مشاوران فرانسوی اداره

می کردند. خطوط تلگراف، "بانک شاهنشاهی ایران" با انحصار چاپ اسکناس، "شرکت حمل و نقل ایران" و "شرکت نفت انگلیس و ایران" با کلیه منابع نفتی و نیز جاده های ارتباطی آن در دست انگلیسیها بود.

فعالیت آلمانیها قبل از جنگ جهانی اول، به علت موقعیت دیگر دولتها در ایران، بسیار کم بود. پزشکان آلمانی، بیمارستان دولتی را اداره می کردند و نیز داروسازان آلمانی در تهران، تبریز، رشت، بارفروش، همدان، سته (سنندج) و کرمانشاه کار می کردند. معلمان آلمانی هم در مدرسه آلمان در تهران مشغول بودند. ۳۱

علاوه بر انگلیس، امریکا و فرانسه نیز در تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس در ایران پیش قدم بودند. به طور کلی آغاز کار مدارس آلمانی در ایران تا دهه اول قرن بیستم طول کشید، بویژه که کار مدرسه آلمانی در تهران در ۶ مه ۱۹۰۷ با ۴۰ شاگرد تحت سرپرستی دبیر با تجربه گوستاو پترز (Gustav Peters) شروع شد. در همین ایام نیز مجتمع مدرسه آلمانی برای ایرانیان (Deutsche Schulverein für Persien) تشکیل شد که می بایست ایرانیان و آلمانیها در آن فعالیت مشترک داشته باشند و به نظر می آمد از نظر فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در مدرسه آلمانی در تهران، به فارسی تدریس می شد. علاوه بر فارسی، عربی نیز در برنامه تدریس گنجانده شده بود، و به آن توجه می شد. همچنین زبان فرانسه نیز باید آموزش می شد. زبان آلمانی طبیعتاً در بکارگیری اصطلاحات و لغات فنی مورد نیاز بود. از نظر تعلیم و تربیت، برنامه آموزشی مدرسه بسیار خوب بود. همکاری هر دو کشور در پیشبرد علمی مدرسه هم بسیار چشمگیر بود. دولت ایران متعهد شد که به مدت ۲۵ سال، هر سال مبلغ ۵۰۰۰ تومان پردازد. دولت آلمان هم تأسیسات، تجهیزات مدرسه را تقبل و تعهد پرداخت مبلغ ۲۰۰۰۰ مارک را کرد. در سالهای بعد البته کمک ایران افزایش یافت. بعدها نیز به مراحل بالاتری از مدرسه مانند دبیرستان و غیره فکر شد. در تابستان ۱۹۰۹ م ریاست مدرسه را دکتر ریشارد درگر (Dr. Richard Draeger) پذیرفت. بدین سان در سال تحصیلی ۳۲-۱۳۳۱ ق/۱۴- ۱۹۱۳ م مدرسه دارای کلیه کلاسهای خود در رده های مختلف بود. معلمان آن در این ایام متشکل از ۸ معلم آلمانی و ۵ ایرانی بود. مدرسه به کلیه اقشار مختلف مردم تعلق داشت، و ممنوعیتی در آن نبود. در سالهای تحصیلی ۱۹۱۴-۱۹۰۹، تعداد

شاگردان به ۲۵۰ نفر می‌رسید. معلمان ایرانی آن نیز از میان بهترین معلمان انتخاب شده و برخی حتی تعلیمات آلمانی دیده بودند. بزودی این مدرسه، نمونه‌ای برای دیگر مدارس ایران شد. مطبوعات ایران و حتی حکومت‌های مختلف وقت، اهداف و شیوه کار مدرسه را می‌ستودند، و به تدریج می‌بایست شعباتی در شهرستانها نیز دایر کند. اما با شروع جنگ جهانی اول بسیاری از برنامه‌های مختلف متوقف ماند. با وجود بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی، کاستیها و ناآرامیهای در ایران به وجود آمد و به سرعت مسائل مالی و اقتصادی، مشکلات را شدت بخشید. فشار قدرتهای بزرگ و مسائل جنگ سرانجام دولت ایران را مجبور کرد که کار مدرسه را متوقف سازد. اما با وجود این نمی‌توان فراموش کرد که بسیاری از فارغ‌التحصیلان سال ۱۹۲۰-۱۹۱۹ مدرسه سمتهای مهمی در مناصب دیپلماتی ایران به دست آوردند، همان گونه که فارغ‌التحصیلان آن در زندگی عادی و شغلهای آزاد خود با موفقیت همراه بودند. البته برخی نیز تحصیلات خود را در آلمان ادامه دادند. اما بهر حال و با توجه به مسائل همه جانبه مدرسه، اهمیت آن در زمینه‌های فرهنگی را نباید نادیده گرفت.

در کنار مدرسه آلمانی، تقریباً از سال ۱۹۱۸م، هیأت آلمانی شرق (Deutsche Orientmission) در مناطق ارومیه و خوی، با دو مدرسه و نیز دارالایتم که اغلب بچه‌های ارمنی را می‌پذیرفت، شروع به کار کرده بود. مدرسه آلمانی ارومیه، که از جانب خانم فریدمن (Friedmann) اداره می‌شد، تقریباً صد کودک را، و مدرسه آلمانی خوی تحت سرپرستی خانم هارناک (Harnack) سی کودک را آموزش می‌داد. هر دوی این مدارس در اوایل جنگ جهانی با فشار قوای روسیه بسته شد. همچنین "دفتر آلمانی هیأت نابینایان" در تبریز و اصفهان می‌بایست به مناسبت جنگ از فعالیت باز بماند.

علاوه بر همه این فعالیت‌های دکتر آندریاس واشتولس، می‌بایست از دو نفر باستان‌شناس آلمانی دیگر نیز نام برد که بخصوص پس از پایان جنگ شهرت زیادی کسب کردند: فریدریش زاره (ساره) (Friedrich Sarre) و ارنست امیل هرتسفلد (Ernst Emil Herzfeld)، که هر دو استاد دانشگاه برلین بودند، و در واقع تحقیقات باستان‌شناسی در ایران را شکل دادند. هرتسفلد قبل از جنگ پنج بار به ایران سفر کرد و بررسی‌هایی متعددی در بناهای یاد بود ایران باستان به عمل آورده بود. زاره نیز

همگام با هرتسفلد هنرهای مختلف ایران و بویژه قرون نخستین اسلامی را مورد بررسی قرار داد. هر دو محقق نتایج تحقیقات خود در ایران را به صورت آثار ارزنده‌ای منتشر کردند.<sup>۳۲</sup>

از جانب دولت ایران جهت رهایی از فشار قرضه‌های انگلیس و روسیه، کوشش شد که حتی الامکان از دولت آلمان قرض گرفته شود. این کوششها در سال ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م ۶- ۱۳۲۵ ق/ ۸- ۱۹۰۷ م همراه با فکر تأسیس بانک آلمان در ایران نیز بود. احداث جاده تهران به خانقین و همچنین ایجاد خط تراموا از تهران به خانقین طی مذاکراتی از سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۵ م مورد توجه قرار گرفته بود. البته در سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م ابتدا پیشنهاد تأسیس بانکی به نام "بانک آلمانی شرق" (Deutsche Orient Bank) مطرح و سپس با تأخیری افتتاح گردید. تصور می‌شد که افتتاح بانک، کمک زیادی در رهایی ایران از فشارهای اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلستان بکند.<sup>۳۳</sup> فعال شدن امور بانکی آلمان در ایران البته رقابتهای دیگری را به دنبال داشت. حضور آلمانها در ایران از جانب هر دو دولت بزرگ، امری جدی بود. طرح راه آهن بغداد نیز که امتیاز آن از سال ۱۸۹۹ م بر عهده بانک آلمان قرار داشت، و می‌بایست به خلیج فارس وصل شود، از سالهای پیش همچنان توجه روس، انگلیس و فرانسه را به خود معطوف داشته بود.<sup>۳۴</sup> احداث چنین خط آهنی نفوذ آلمان در خاور میانه و نزدیک را بیشتر می‌کرد. در سال پاییز ۱۹۰۴ م رسماً بخشی از آن که از قونیه شروع می‌شد و در امتداد شرق بطول ۲۰۰ کیلومتر بود، افتتاح شد. البته با شروع جنگ در ساختن این خط وقفه ایجاد شد، اما تا سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۴۰ م این خط به کلی پایان یافت. البته در رابطه با احداث این خط، توافق نامه‌ای در ۱۹ اوت ۱۹۱۱ بین روسیه و آلمان منعقد گردید که به "قرارداد پتسدام" معروف است.<sup>۳۵</sup> در رابطه با ایران، دولت آلمان منطقه نفوذی روسیه در شمال ایران را به رسمیت شناخته بود، البته روسیه نیز خود را موظف ساخته بود که با احداث خط آهن بغداد مخالفتی به عمل نیاورد، و ادامه خط آهن بغداد را یا شخصاً از طریق خانقین، تا تهران گسترش دهد و یا اینکه به شرکت دیگری واگذار کند که دولت آلمان در آن سرمایه‌گذاری کرده است. روسیه نیز می‌بایست خط آهنی به خرج خود در شمال ایران بسازد.<sup>۳۶</sup> به طور کلی از شیوه کار و نحوه فعالیت آلمانها چنین مشخص بود که مسائل اقتصادی بیش از اهداف سیاسی مورد توجه آنان بوده است.



فعالیت شرکتهای تجاری آلمان نیز حاکی از همین امر بود. به طور مثال شرکت ونگهاوس که از مدتها قبل تجارت غلات، صدف و مروارید را شروع کرده بود. همچنین افتتاح "شرکت سهامی فرش ایران" (پتاگ) - (Persische Teppichgesellschaft A.G.) در سال ۱۹۱۲ م، این زمینه اقتصادی را مستعدتر کرد. به جرأت می توان گفت که با وجود قلت نفرات آلمانیها در ایران، آنان در امر تجارت بسیار موفق بودند. در سال ۱۳۲۸ ق/ ۱۹۱۲ م تعداد اروپائیان در ایران حدود هزار نفر بود. از میان آنان چهارصد نفر روسی، دویست نفر انگلیسی، صد نفر آلمانی، صد نفر امریکایی، پنجاه نفر فرانسوی، سی نفر بلژیکی و بیست و پنج نفر هلندی بود،<sup>۳۷</sup> اما آلمانیها در فعالیت بازرگانی چشمگیر بودند. به علت روابط دوستانه بین آلمان و عثمانی، دولت و اتباع آلمان ترجیح می دادند که تجارت خود را از مسیر کشور عثمانی به ایران انجام دهند، بویژه که جاده مسافرتی طرابوزان - ارضروم (ارزروم) - تبریز و نیز مسیر بصره - بغداد - کرمانشاه امکانات زیادی داشت. راه دیگر تجاری در آن ایام، راههای دریایی بود که از طریق دریای سیاه توسط شرکت کشتیرانی "خطوط آلمانی لوانت" (Deutsche Levante Linie) (تأسیس ۱۸۸۹) و یا خلیج فارس توسط شرکت "خطوط هامبورگ - امریکا" (Hamburg-Amerika Linie) به طور مرتب در ماه یک بار انجام می گرفت. بدین سان در سال ۷ - ۱۲۲۶ ق/ ۹ - ۱۹۰۸ م در بندرهای خلیج فارس، ۵۷ کشتی بخار آلمانی با محموله ای به مقدار ۱۲۲۰۰۰ عدل لنگر انداخته بود.<sup>۳۸</sup> کالاهای مورد تجارت آلمان مشتمل بر پارچه های پنبه ای، ابریشمی، ادویه، داروهای شیمیایی، اجناس آهنی، اجناس چرمی، اجناس بلوری، کاغذ و دانه های کشاورزی بود. حمل و نقل کالا بر عهده دفاتر ایرانی و آلمانی مستقر در تبریز، تهران، شیراز، همدان، رشت، لنگه و دیگر نقاط بود. در سال ۷ - ۱۹۰۶ م کشور آلمان با سه میلیون مارك صادرات به آلمان در ردیف ششم قرار داشت. صادرات روسیه به ایران بالغ بر ۸۲/۳ میلیون مارك، انگلستان و هندوستان مجموعاً ۴۹ میلیون مارك، فرانسه با مستعمراتش ۸/۸ میلیون مارك، اتریش - لهستان ۵/۵ میلیون مارك و بالاخره عثمانی ۴/۸ میلیون مارك بود. البته اجناس آلمانی دیگری نیز از طریق بنادر بمبئی و کراچی به ایران وارد می شد. بهر حال به تدریج تماسهای بازرگانی آلمانی در ایران چنان رشد کرد که سرانجام مسائل سیاسی ایران را نیز تحت الشعاع قرار داد، به طوری که حتی به

هنگام جنگ جهانی اول نیز سیاستمداران ایرانی بشدت از آلمانیها طرفداری می کردند و بسیاری از جریانات سیاسی کشور در دست آلمانیها بود.

### \* پی نوشتها و مآخذ:

۱. برای آگاهی پیرامون سفر این محققان رجوع کنید به: آلفونس گابریل: تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتح علی خواجه نوری (تهران ۱۳۴۸)، ص ۱۸۲ و بعد و نیز:
۲. G. Stratil-Sauer: "Der deutsche Anteil an der Erforschung Persien", in: *Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen*, (Stuttgart Heft 3-4 Juli-Dez. 1960) S.269-272.
۳. برای آگاهی از مفاد معاهده های گلستان و ترکمانچای رجوع کنید به: سعید نفیسی: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر ۲ (تهران ۱۳۴۴)، ص ۱۸۰ و بعد.
۴. برای آگاهی از روابط ایران و فرانسه به طور کلی رجوع کنید به: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، (تهران ۱۳۵۶)، ص ۱۱۸ و بعد.
۴. به طور مثال قراردادهای ذیل بین ایران و دیگر دولتها بسته شد:
  - ۱- قرارداد بین ایران و امریکا در اکتبر ۱۸۵۶ م
  - ۲- قرارداد بین ایران و ساردین در ۲۶ آوریل ۱۸۵۷ م
  - ۳- قرارداد بین ایران و اتریش در ۱۷ مه ۱۸۵۷ م
  - ۴- قرارداد بین ایران و پروس در ۲۵ ژوئن ۱۸۵۷ م
  - ۵- قرارداد بین ایران و هلند در ۳ ژوئیه ۱۸۵۷ م
  - ۶- قرارداد بین ایران و بلژیک در ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۷ م
  - ۷- قرارداد بین ایران و سوئیس در سال ۱۸۵۷ م
۶. برای آگاهی به مفاد قراردادهای رجوع کنید به وحید مازندرانی: مجموعه معاهدات تاریخی ایران ۳ ج، (تهران ۱۳۵۰)
5. Rudoff Godel: *Über den pontischen Handel's Weg und die Verhältnisse des europäisch-Persischen Verkehrs*, (Wien 1849).
۶. برای آگاهی از کلیه مفاد قرارداد ایران و اتریش رجوع کنید به: غ. وحید مازندرانی: مجموعه معاهدات تاریخی ایران ج ۱ (تهران ۱۳۵۰)، ذیل اتریش؛ متن آلمانی قرارداد را در کتاب ذیل می یابید:
7. O. Blau: *Commercielle Zustände Persiens* (Berlin 1858), S. 262f
7. Maximilian Graf von Hatzfeld Wildenburg Schönstein.
۸. O. Blau: *Commercielle Zustände Persiens. Aus den Erfahrungen einer Reise im Sommer 1857*. (Berlin 1858).
۹. ارقام مربوط به این ۱۲ میلیون راین تالر در پایان نیمه اول قرن نوزدهم بدین شرح بود:

واردات به ایران:	راین هالد / میلیون
بریتانیای کبیر	۷,۹۳۰,۰۰۰
سوئیس	۲,۸۰۰,۰۰۰
پروس و دیگر متحدان گمرکی	۳۵۰,۰۰۰

- C.V. Taufenstein: "Persische Verwaltungszustände" in: *Osterreichische Monatsschrift für den Orient*, (Wien 1883).
۲۰. برای آگاهی از اسامی این افراد رجوع کنید به:
- G. Stratil-Sauer: "Der deutsche Anteil an der Erforschung Irans", *Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen*. (Stuttgart Heft, Juli-Dez. 1960), S.269-272.
۲۱. نگاه کنید به آلفونس گابریل: تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران.
۲۲. خاطرات ناصرالدین شاه از اولین سفر وی به اروپا به نام سفیرنامه ناصرالدین شاه در ایران به چاپ رسید و نسخه‌ای نیز برای امپراتور آلمان فرستاده شد. از جانب امپراتور آلمان نامه تشکر آمیزی به ناصرالدین شاه مبنی بر وصول کتابش به تاریخ ۲۵ مارس ۱۸۹۱ ارسال شده است. رجوع کنید به: آرشیو وزارت امور خارجه ایران (کارتن ۶، پرونده شماره ۱۵)
۲۳. به تاریخ ۲۳ اوت ۱۸۸۴ و ۲۸ مارس ۱۸۸۵ امپراتور آلمان نامه‌ای به امضا بیسمارک مبنی بر اعزام برانشویک Ernst Von Braunschweig و تأیید وی به ناصرالدین شاه فرستاد. رجوع کنید به: آرشیو وزارت امور خارجه ایران (کارتن ۶، پرونده شماره ۴ و ۵).
۲۴. سفارت خانه آلمان در ایران دقیقاً در سال ۱۸۸۴ میلادی تأسیس شد. بعدها سرکنسولگری و کنسولگریهای متعددی در شهرهای مختلف ایران به شرح ذیل افتتاح گردید:
- سرکنسولگری تهران ۱۸۸۹ میلادی،
- نایب کنسولی بوشهر ۱۸۹۷ که در سال ۱۹۱۱ با تأسیس کنسولگری بوشهر منحل شد، کنسولگری رشت ۱۹۰۸ که در سال ۱۹۱۱ منحل شد،
- شعبه کنسولگری تبریز ۱۹۰۹ که در سال ۱۹۱۴ با تأسیس کنسولگری تبریز منحل شد.
- برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: ویلهلم لیتن: ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی، فصل ۶۵ الف: حفظ علایق آلمان در ایران . . .
۲۵. برای آگاهی از تأسیس سفارتخانه آلمان در ایران و نیز اطلاع از سفیران آن کشور رجوع کنید به:
- L. Gielhammer: "Deutsche Gesandte in Iran. Zur Geschichte der diplomatischen Beziehungen Zwischen Deutschland und Iran", in: *Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen*. (Stuttgart Heft 3-4, Juli-Dez. 1960) S.166 & 273-275.
26. F. Stolze-F.C. Andreas: "Die Handelsverhältnisse Persiens, mit besonderer Berücksichtigung der deutschen Interessen", in A. *Petermanns Mitteilungen* (Ergänzungsband Nr. 77).
۲۷. برای آگاهی از نحوه کار مؤسسات دارویی در ایران رجوع کنید به: مریم میراحمدی: "نفوذ اقتصادی-سیاسی آلمان در ایران" در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، سال ۱۷ (مشهد ۱۳۶۳)، ص ۳۶۲ و بعد. و نیز ویلهلم لیتن: ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی، فصل ۴۷.
۲۸. علاوه بر شرکت راه آهن، آلمانها موفق شدند که از سال ۱۸۹۸ م هیأت‌های حفاری و باستان‌شناسی نیز به بغداد گسیل دارند. این گونه فعالیتها در نواحی مختلف عثمانی آن زمان و نیز کشور ترکیه، بعدها نیز ادامه یافت. شبیه چنین اقداماتی در ایران نیز صورت می گرفت و هیأت‌های مختلف فرهنگی به ایران گسیل داشته شد. رجوع کنید به مریم میراحمدی: پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، برخورد شرق و غرب در ایران (مشهد ۱۳۶۶) فصل سوم "نفوذ آلمانها در ایران"، فصل پنجم "نفوذ فرهنگی قدرتهای جهانی در ایران".
۲۹. در این ایام، بویژه ناوگان جنگی آلمانها به نام آرکونا (Arcona) که مدتها در خاور دور مأموریت داشت (۱۸۹۹)، در سواحل بصره بود. این ناوگان مدتها نیز در دیگر بنادر خلیج فارس مانند مسقط، بوشهر و لنگه به بررسی سواحل خلیج فارس پرداخته بود، بویژه که دامنه رقابت آلمان و انگلیس نیز به سواحل خلیج فارس هم

۲۵۰,۰۰۰

۱۸۰,۰۰۰

۱۷۰,۰۰۰

۱۷۰,۰۰۰

۱۵۰,۰۰۰

۱۰۰,۰۰۰

۲۵۰,۰۰۰

۱,۳۰۰,۰۰۰

۱,۲۵۰,۰۰۰

۱,۰۰۰,۰۰۰

۳۰۰,۰۰۰

۱۵۰,۰۰۰

۱۰۰,۰۰۰

۱۵۰,۰۰۰

O. Blau: *Commercielle Zustände Persiens*, s. 238f.10. H. Brugsch: *Reise der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860-1861, 2Bd.* (Leipzig 1863).11. H. Brugsch: *Im Lande der sonne, Wanderungen in Persien*, (Berlin, 1876).12. H. Brugsch: *Reise der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien*, S.501 f.

۱۳. همان کتاب، ص ۲۸۰؛ علاوه بر آن برای آگاهی از چگونگی سفر این گونه هیأتها در این ایام رجوع کنید به:

"روابط ایران و آلمان در زمان ناصرالدین شاه" ترجمه اسماعیل دولتشاهی (نام مؤلف درج نشده است)، در مجله

سخن، شماره ۱ (تهران، آبان ۱۳۵۶)، ص ۱۲ الی ۲۴ و نیز شماره ۴ (آذر ۱۳۵۶)، ص ۱۵۷ الی ۱۶۸.

۱۴. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به ویلهلم لیتن: ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی، ضمیمه ۲۰،

ترجمه مریم میراحمدی (تهران ۱۳۶۷)، و همچنین به: غ. وحید مازندرانی: مجموعه معاهدات تاریخی

ایران، ج ۱، ص ۲۰۴ و بعد.

15. Eduard Polak: *Persien, Das Land und Seine Bewohner* (Wien 1865).

این کتاب با عنوان ذیل به فارسی ترجمه شده است سفر نامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهان‌داری (تهران ۱۳۶۱).

۱۶. برای آگاهی تحقیقات هواشناسی هر دو محقق رجوع کنید به:

H. Brugsch: *Reise der K. Preussischen Gesandtschaften nach Persien... 2. Bd. S.483-5 u.481.*

۱۷. کپرت در تحقیقات خود از حمایت آکادمی اسناد پاریس برخوردار بود. آکادمی، تحقیقاتی در مورد

نقشه برداری و بررسی مناطق جنگی سرزمینهای بین ایران و روم در قرون سوم تا هفتم میلادی را بر اساس مورخان

مشرق زمین در دست تهیه داشت. این بررسی می بایست با اطلاعات جدیدی از آن مناطق قدیمی و با ذکر

جزئیات و نقشه‌های جدید همراه باشد. کپرت سرانجام جایزه این آکادمی را که مبلغ ۲۰۰۰ فرانک بود، به خود

تعلق داد.

18. H. Abich: *Geologische Forschungen in den armenischen Länder*, 3Bde. (Berlin, 1878-82).19. G. V. Riederer: "Die Post in Persien" in *Osterreichische Monatsschrift für den Orient* (Wien 1878).

گرفته از جمله متخصصان خاور نزدیک و خاور میانه بود. وی در سال ۱۹۰۷ م، اقامتی شش ماهه در ایران داشت. وی در این سفر، علاوه بر تحقیقات زمین شناسی، مسائل جغرافیایی ایران را نیز مورد بررسی قرار داده است. گزارشهای جالب وی در زمینه مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران همراه با آمار و ارقام در کتاب فوق حایز اهمیت است.

کشیده شده بود. در سال ۱۹۰۸ م نیز همین کشتی علاوه بر مأموران بازرگانی، یک هیأت "محققان" آلمانی را نیز با خود به همراه داشت. برای آگاهی پیرامون رقابتهای نظامی و اقتصادی در آلمان و انگلیس رجوع کنید به: Public Record Office, F.O. 78/5113; 78/5114.

۳۰. برای آگاهی از مفاد قرارداد ۱۹۰۷ م و نیز تجزیه و تحلیل ماده‌های آن رجوع کنید به: غ. وحید مازندرانی: قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران، (تهران ۱۳۲۸).

۳۱. برای آگاهی پیرامون فعالیت مدرسه آلمانی در ایران از زمان تأسیس آن به منابع ذیل رجوع کنید:  
G. Peters: "Die deutsche Schule in Teheran, von 1907-1909", in: *Aus deutscher Bildungsarbeit in Auslande*, (Langensalza 1928), 2 Bde., S. 172-181.  
R. Draeger: "Die deutsche Schule in Teheran seit 1909", in: *Aus deutscher Bildungsarbeit in Auslande* (Langensalza 1928) 2 Bd. S. 182-186.  
M. Rehs: "Deutsches Schulwesen in Iran", in: *Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen*. (Stuttgart Heft 3-4, Juli-Dez. 1960), S. 276-278.

۳۲. هر تسفلد بین سالهای ۱۹۰۰ - ۱۸۹۷ م طی مسافرت اول خود به ایران توانست گزارشهایی از حجازیهای قدیمی دوران هخامنشی و ساسانی و آثار تخت جمشید و دیگر نقاط تهیه کند. در سفر سال ۱۹۰۵، وی موفق گردید که از آثار باستانی دروازه‌های زاگروس و منطقه لرستان تا فارس اطلاعات ذقیمتی جمع آوری کند. در سال ۱۹۱۱ م تحقیقات خود را بر روی منطقه "پایکولی" انجام داد و موفق به رونوشت برداری از کتیبه پهلوی آن شد. تحقیقات زاره، اگر چه به اتفاق هر تسفلد بود و هر دو نیز کتابهای متعددی با یکدیگر به چاپ رساندند، اما چهار چوب دیگری از مسائل باستان شناسی و بویژه صنایع و هنرهای دوران اسلامی را در برمی گرفت.

۳۳. برای آگاهی از چگونگی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در ایام افتتاح بانک آلمان می توان به این منبع - صرف نظر از برخی تاریخهای اشتباه آن - رجوع کرد: رضا امین سبحانی: "اولین بانک آلمانی در ایران چگونه تشکیل شد"، مجله دانشکده ادبیات تبریز، شماره ۱۱۷، سال ۲۸ (تبریز ۱۳۵۵)، ص ۹۹ - ۸۸.

۳۴. سرمایه مورد نظر برای این طرح حدود ۳۵۰ میلیون مارک بود که ۶۰٪ آن از جانب محافل مالی آلمان تقبل شده بود. برای آگاهی بیشتر پیرامون راه آهن بغداد رجوع کنید به:

Siegmund Schneider: *Die deutsche Baghdad-Bahn* (Leipzig-1900).

۳۵. مفاد قرارداد پتسدام در هنگام دیدار نیکلای دوم تزار روس از پتسدام در ۵ نوامبر ۱۹۱۰ در جهت ارتباط و هماهنگی بیشتر دو قدرت شفاهاً مورد تأیید قرار گرفته بود.

۳۶. به طور کلی امتیازاتی که آلمانیها از ایران در این ایام در مورد خطوط راه به دست آوردند عبارت بود از:

۱- امتیاز جاده تهران - خانقین در سال ۱۸۹۵ م،

۲- امتیاز تراموا به شمیران در سال ۱۸۹۵ م،

۳- امتیاز راه آهن تهران - خانقین ۱۸۹۸ م،

هیچ يك از این امتیازات به مرحله اجرا نرسید، زیرا که تأمین مالی آن بسیار مشکل بود.

۳۷. برای آگاهی بیشتر پیرامون نحوه کار اروپائیان در ایران رجوع کنید به:

Hugo Grothe: *Zur Natur und Wirtschaft von Vorderasien, I. Persien* (Frankfurt/M. 1911), S. 94.

۳۸. در این ایام تعداد کشتیهای انگلیس در خلیج فارس ۷۹۶ عدد و کالاهای حمل شده بالغ بر یک میلیون عدل بود. رجوع کنید به:

R. Rasch von Traubenberg: *Haupt Verkehrswege Persiens* (Halle 1890).

W. Stavenhagen: *Über Persiens Verkehrswesen* (Leipzig 1913).

۳۹. برای آگاهی از ارقام دقیق واردات و صادرات آلمان به ایران رجوع کنید به:

H. Grothe: *Zur Natur und Wirtschaft von Vorderasien, I. Persien*, s. 60, 71f.